



## ترکیه، آزمایشگاه برخورد اسلام و سکولاریسم

گفت و گو با نیلوفر گوله - جامعه شناس ترک ساکن فرانسه

ترجمه: حمیدرضا بهمنی

آیا مسأله روسری سرکردن و حفظ حجاب در بحران اخیر ترکیه میان سکولاریست‌های قدرت‌طلب و اسلام‌گرایان دموکراتیک نو، نقشی نمادین دارد؟ روسری سرکردن یکی از مباحث اساسی مشاجرات عمومی، از آغاز دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد در ترکیه و برخی کشورهای اروپایی بوده است. جمهوری ترکیه حوزه‌ی عمومی را حوزه‌ای سکولار تعریف کرده است، مفهومی که از «لایسیته» (laicite) فرانسه الهام گرفته شده است. نامزدی وزیر امور خارجه حزب اسلام‌گرا در انتخابات ریاست جمهوری در واقع کار را به بحران سیاسی کشاند. امروزه تنش‌های میان سلطه‌گرایی و سکولاریسم، میان دموکراسی و اسلام به صف نخست تنش‌ها کشیده شده است. ماجرا این است که همسر وزیر امور خارجه، روسری سر می‌کند و این تصور که همسر رئیس جمهور آینده محجبه و پوشیده باشد، موجب نگرانی عمیق سکولارها به‌ویژه زنان سکولار شده است.

این عمل به‌گونه‌ای نمادین به معنای «اسلامی شدن

از رأس» است، از بالاترین مقام جمهوری سکولار. ارتش با اعلامیه‌ای که از طریق اینترنت منتشر شد، نگرانی خود را از این مسأله اعلام کرد و مردم را به هوشیاری در برابر خطرات متعددی که تهدیدکننده‌ی سکولاریسم هستند، دعوت کرد. نام این اعلامیه، اولتیماتوم الکترونیکی یا «ای-کو» (e-coup: ضربه یا

تظاهرات منجر به تنش میان سکولاریسم

اقتدارگرا و اسلام شد. در همان موقع

آیا به نظر می‌رسد که صورت ریشه‌دار

و عمیق (rooted) سکولاریسم ترکیه

توسط مردم تحکیم یافته باشد؟

این تظاهرات راهی بود تا طبقات

متوسط سکولار از طریق آن به‌طور

علنی، نیرو و اعتقاد خود را نشان دهند

و همین‌طور بر ترس‌شان از اسلام فائق

آیند. برخی آزادانه مخالفت خود را هم

مسأله‌ی این است که در بیست ساله‌ی اخیر دیوار میان ترکیه سکولار و ترکیه مذهبی بسیار نفوذپذیر شده است. این‌ها با یکدیگر وارد گفت‌وگو شده‌اند، و تبادل میان اندیشه‌ها و «فضای بیفابین» جدید رشد کرده است. پاسداری از این فضا، و جلوگیری از دو قطبی شدن و دودستگی (polarization) آن بسیار اهمیت دارد

با اسلام و هم با مداخله‌ی نظامی نشان دادند. ترکیه از طریق شیوه‌ای دراماتیک تنش میان سکولاریسم، اسلام و دموکراسی را متبلور کرد، ولی واقعیت این است که ما در اروپا هم با همین مشکلات و مسایل روبه‌رویم. این مسأله که چگونه سکولاریسم را می‌توان بیشتر تکثیر کرد و چگونه سکولاریسم می‌تواند دریافتی آزادانه‌تر نسبت به خواسته‌های دینی داشته باشد، مورد بحث است.

- زنان ترکیه هم بر آزادی سکولار تأکید داشتند و هم بر روسری سر کردن. آیا درست است؟

بله همین‌طور است. آن‌ها روسری سر می‌کنند، اما در زندگی عمومی و سیاسی شرکت می‌کنند و وارد تجربه‌های مدرن زندگی سکولار می‌شوند. روسری فقط یک

نماد نیست، بلکه علاوه بر آن نماینده‌ی (agency) زنان مسلمان است، زنان یا روسری ایمان شخصی را وارد حوزه‌ی عمومی کرده و دین خود را در انظار عمومی آشکار می‌کنند و در نتیجه تصورات سکولار را در ارتباط با سیاست لیبرال و آزادی زنان به چالش می‌کشند. اغلب حجاب را به‌عنوان چیزی می‌دانند که به زور و اکراه از سوی افراطیون اسلامی یا از سوی مردان بر زنان تحمیل می‌شود، اما در حوزه‌ی شخصی، تصمیم زنان برای پذیرفتن یا تصویب (adopt) حجاب تکذیب شده یا نادیده گرفته شده است. آن‌ها مرز میان عمومی و خصوصی را تغییر داده‌اند و نقش‌های دینی سنتی را که زنان تنها محدود و محصور به حوزه‌ی خصوصی می‌کنند، رها کرده‌اند و از آنسو به‌خاطر روسری‌شان علیه جدایی از حوزه عمومی ستیز می‌کنند. آن‌ها هم برای فمینیست‌های سکولار و هم برای مردان مذهبی جامعه موجب نگرانی و زحمت شده‌اند.

- آیا تصمیم اخیر سارکوزی، رییس جمهور فرانسه، برای ملغی کردن عضویت ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا واکنشی علیه سیاست درونی ترکیه است؟

بله، اما این ماجراها پیش از روی کار آمدن سارکوزی آغاز شده بود. فرانسه از خیلی وقت پیش حق عضویت ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا را زیر سوال برده بود. در این بحث ترکیه نقش نوعی کاتالیزور (catalyst: عامل شتاب دهنده) را برای تعریف هویت اروپایی - اروپای جدای از ترکیه - بازی

حزب AK(حزب عدالت و توسعه) برخاسته از جنبش اسلامی دهه ۱۹۸۰ است که در این یک - دو دهه نشان داده بسیار معتدل و میانه‌رو است و توانایی‌های اصلاح‌گرایانه‌ی بالایی دارد



می‌کرد. یکی دانستن تلویحی مسیحیت و اروپا هرچه بیشتر مورد تأکید قرار گرفت، تا جایی که پاپ بندیکت هم موضع‌گیری کرد. سارکوزی در مورد موضع سیاسی خود در باب این مشاجره نمی‌توانست کار دیگری بکند. به همین دلیل ممکن است گفته شود عضویت ترکیه به دستور جلسه‌ای برای بحث سیاست و آراء عمومی اروپا بدل شد. سیاست - هویت خودبین اروپا تأثیری منفی بر سیاست و مردم ترکیه داشت. مثل این

بود که یکباره فرشی را از زیر پای جامعه اروپا بیرون کشند، فرشی که قرن‌ها مردم گمان می‌کردند برای خودشان است. روند گسترش ناسیونالیسم روبه رشد است و فقط محدود به طبقات متوسط به پایین یا بخش‌های حاشیه‌ای و بی‌سواد جامعه نیست، حتی افرادی از جامعه که طرفدار اروپا هستند به ناسیونالیسم روی آورده‌اند. امکان رفع تنش‌های میان اسلام و سکولاریسم ضعیف شده است و برنامه‌ی اروپایی هم دیگر تأمین‌کننده چارچوبی برای سیاست و توافقات دموکراتیک در سیاست ترکیه نیست.

**گویا پاسخ منفی اتحادیه‌ی اروپا به ترکیه موجب واکنش اسلامی یا واکنش اسلامی افراطی نشده است ولی ناامیدی و عصبانیت را در میان ناسیونالیست‌های سکولار به دنبال داشته است؟**

طنز (irony) ماجرا اینجاست که حزب سیاسی‌ای که بر سر قدرت است، یعنی حزب AK (حزب عدالت و توسعه) برخاسته از جنبش اسلامی دهه ۱۹۸۰ است که در این یک - دو دهه نشان داده بسیار معتدل و میانه‌رو است و توانایی‌های اصلاح‌گرایانه‌ی بالایی دارد. گسترش و رشد این حزب اسلام‌گرا از موضع حاشیه‌ای و رادیکال به قلب میانه‌روهای راست سنتی مهم‌ترین چیزی است که در این ده ساله رخ داده است. امروزه این حزب خیلی دموکرات‌تر و اصلاح‌طلب‌تر است. به نظر من اشتباه است که این حزب را حزب اسلام‌گرا بنامیم، چراکه آن‌ها در سیاست یا فعالیت‌های خود اصلاً به دین و آموزه‌های دینی متوسل نمی‌شوند، البته ویژگی‌های اسلامی وجود دارد. حزب AK برخلاف جریان غالب حزب‌های سیاسی - چه جمهوری‌خواه و چه سنت‌های دموکراتیک محافظه‌کار - که از تجدید نظر و نوسازی خود کوتاهی می‌کنند، در اصلاحات‌شان و در اظهاراتی که داشته‌اند طرفدار موضع اروپایی هستند. امتناع اروپا موجب انگیختن یک واکنش و خشم ناسیونالیستی شده است.

**- پس آیا هراس از مداخله‌ی نظامی برای توقف متراکم شدن قدرت حزب اسلامی منتفی نیست؟**  
بجز آن تمام نشده است. تهدید سکولاریسم و برنامه‌های پنهان

حتی افرادی از جامعه که طرفدار اروپا هستند به ناسیونالیسم روی آورده‌اند. امکان رفع تنش‌های میان اسلام و سکولاریسم ضعیف شده است و برنامه‌ی اروپایی هم دیگر تأمین‌کننده چارچوبی برای سیاست و توافقات دموکراتیک در سیاست ترکیه نیست.

اسلام بسیار در میان مردم ریشه دوانده‌اند. سیاست اروپا، سیاستی متقلب و فریبکار (deceitful) شده است و کشورهای همسایه به‌ویژه، همجواری با عراق یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی در ترکیه است. امروزه مسأله‌ی رسیدن به ثبات از طریق روش‌های سیاسی است. به همین دلیل انتخابات سرنوشت‌ساز است، ولی به‌ر جهت ضعف شدن احزاب سکولار هنوز هم مسأله است.

**- ترکیه آزمایشگاهی است که در آن اسلام و سکولاریسم، خود را در موقعیت رویارویی و برخورد (meet and clash) می‌بینند، جایی که در آن اهداف و محدوده‌های جدیدی تعریف شده و تظاهرات‌ها هم نشان داده که یک طبقه متوسط سکولار رشد کرده که هم مذهبی است و هم نیست.**

مسأله‌ی مثبت این قضیه این است که در بیست ساله‌ی اخیر دیوار میان ترکیه سکولار و ترکیه مذهبی بسیار نفوذپذیر شده است، این‌ها با یکدیگر وارد گفت‌وگو شده‌اند، و تبادل میان اندیشه‌ها و «فضای بینابین» جدید رشد کرده است. پاسداری از این فضا، و جلوگیری از دو قطبی شدن و دودستگی (polarization) آن بسیار اهمیت دارد. تظاهرات اخیر برای سکولاریسم حاصل جامعه مدنی سکولار بود، و از لحاظ شیوه رفتار و اشکال ابراز نظر دموکراتیک بود، اما به‌گونه‌ای متناقض‌گونه در خدمت قانونی کردن و مشروعیت بخشیدن سکولاریسم قدرت‌طلب هستند. جنبش‌های اسلامی همیشه «مدنی» نیستند.

**- امروزه اروپا برای ترکیه چقدر اهمیت دارد؟**  
این پرسش را باید از زاویه‌ای دیگر مطرح کرد. فعلاً که طرد اروپایی نقشی منفی در ترکیه بازی می‌کند. آیا در سیاست اروپا نشانه‌هایی از تغییر در این دیدگاه مشاهده می‌شود؟ سارکوزی آشکارا اعلام کرده است که ترکیه «تمایلی» ندارد که یکی از اعضای اتحادیه‌ی اروپا شود. ترکیه امروزه نشان‌دهنده‌ی هویت اروپا شده است، اما این هویت چگونه هویتی است؟ آیا این کار بدین معناست که در اروپا نباید هیچ کشوری با اکثریت مسلمان وجود داشته باشد، حتی اگر آن اکثریت مسلمان در هماهنگی و سازگاری با اصول سکولار و دموکراتیک باشد؟ دور کردن ترکیه، ترکیه را «به غیر از» اروپا به حساب آوردن، معنایی جز این ندارد که مرزهای کشورهای اروپایی را برداریم، اما به‌جای آن‌ها مرزهای جدیدی بکشیم. و این می‌شود یک اروپای دیگر نه اروپایی که به ما آموخت در فضای جدیدی زندگی کنیم که در آنجا هویت‌های قومی، ملی و دینی بر هر چیز برتری دارند.